

## تحلیلی بر مسئله قانون حاکم بر ازدواج ایرانیان در خارج از کشور

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۲/۱۲)

## حدیث رستمی

## چکیده

ازدواج نمونه ای از احوال شخصیه است که ۲ دسته از شرایط بر آن حاکم است: ۱- شرایط ماهوی ازدواج است که تابع قانون کشور متبوع شخص است و ۲- شرایط شکلی ازدواج است که تابع قانون کشور محل تنظیم سند یا محل وقوع عقد یا محل برگزاری تشریفات ازدواج است. لذا احوال شخصیه تابع قانون ملی یا قانون کشور متبوع شخص می باشد. بنابراین ازدواج ۲ شکل دارد: ۱- ازدواج اتباع ایران در خارج ۲- ازدواج اتباع بیگانه در ایران. هدف از این مقاله بررسی قانون حاکم بر ازدواج اتباع ایران در خارج است که خود نیز به ۲ دسته تقسیم می شود: ۱- با توجه به شرایط شکلی ازدواج، قانون حاکم، قانون کشور محل وقوع عقد است و ۲- با توجه به شرایط ماهوی ازدواج، قانون حاکم، قانون کشور متبوع شخص خواهد بود. همچنین راجع به اینکه اگر زوجین تابعیت متفاوت داشته باشند اصولاً اصل بر این است که قانون حاکم، قانون کشور متبوع شوهر خواهد بود. لذا با توجه به ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی: « دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد، موکول به اجازه مخصوص نماید ». و همچنین طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: « ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است ».

**واژگان کلیدی:** ازدواج اتباع ایران در خارج، قانون حاکم، تابعیت متفاوت، احوال

شخصیه





## مقدمه

ایرانیان خارج از کشور، از حیث نکاح، تابع قانون ایران هستند. یعنی اینکه از جهت اصل ازدواج باید قانون کشور ایران را رعایت کنند اما از جهت تشریفات تنظیم سند ازدواج، تابع کشور محل تنظیم سند می‌باشند. مثلاً اگر پسر و دختر ایرانی در ایتالیا قصد ازدواج دارند باید مقررات مربوط به ازدواج را که در قانون مدنی ایران آمده است را رعایت کنند. و اگر دختر باکره باشد اجازه پدر او حتماً باید وجود داشته باشد، یا اینکه برای ازدواج شرط است که حتماً طرفین به سن بلوغ رسیده باشند. اما این که سند چگونه تنظیم شود تابع کشوری است که ازدواج آنان در آنجا به ثبت می‌رسد. چنانچه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. مثلاً در کشور سوئیس، که در گذشته قاعده قانون ملی در احوال شخصی مجری بوده است، در حقوق بین‌المللی خصوصی مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۸۷ در ماده ۴۸ آمده است که: « قانون حاکم بر حقوق و وظایف ناشی از زوجیت، قانون محل اقامتگاه زوجین است و در صورتی که زوجین مقیم کشور واحدی نباشند، قانون حاکم بر حقوق و وظایف ناشی از زوجیت قانون محل اقامتگاهی است که نزدیکترین وابستگی (ارتباط) با دعوا را دارد». از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی در مورد شرایط ازدواج باید قائل به تفکیک شد. ۱- در مورد شرایط ماهوی ازدواج که بستگی به تابعیت طرفین عقد ازدواج دارد و اصولاً تابع قانون شخص است و ۲- در مورد شرایط شکلی ازدواج که قانون محل وقوع عقد مد نظر است. طبق ماده ۵ قانون مدنی: « کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». اما مطابق ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی: « نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست».

فرضیات و سوالات مطروحه نگارنده در این راستا به شرح ذیل می‌باشد:

۱- چه قانونی حاکم بر ازدواج ایرانیان در خارج از کشور است؟



- ۲- آیا دو نفر ایرانی که در خارج قصد ازدواج با هم را دارند حتماً باید نزد مامورین کنسولی یا نمایندگان سیاسی در سفارت جمهوری اسلامی ایران مراجعه کنند؟
- ۳- اگر یکی از زن یا مرد ایرانی باشد و طرف دیگر خارجی باشد، آیا کنسولگری ایران صلاحیت برای انعقاد عقد برای ثبت ازدواج را خواهد داشت؟
- ۴- ازدواج ایرانیان غیر شیعه در خارج بر طبق چه قانونی خواهد بود؟

### بخش اول: تابعیت و شرایط ازدواج

تابعیت نوعی ارتباط سیاسی و معنوی است که فردی را به کشوری مربوط می کند و شخص به عنوان تبعه آن کشور شناخته می شود و مطیع قوانین کشور متبوع خود است بنابراین قوانینی که روابط انسانها را تنظیم می کنند دو دسته اند:

الف - قوانین درون مرزی در هر کشوری روابط افراد را تنظیم می کند مثل: قوانین کیفری.

ب - قوانین برون مرزی روابط اتباع کشور را در داخل کشور و خارج از کشور تنظیم می کنند و اشخاص در هر کشوری زندگی کنند مطیع قوانین کشور خود هستند مثلاً: قوانین مربوط به احوال شخصیه مانند قوانین خانواده (ازدواج، طلاق و...) در مورد اتباع ایرانی که مقیم خارج از کشور هستند به دلیل عدم دسترسی آنها به محاکم داخلی همواره در حل و فصل دعاوی خانوادگی دچار مشکلاتی می شوند که در این قسمت نحوه رسیدگی به دعاوی خانوادگی اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور در دادگاههای خانواده ایران و رویه حاکم بر محاکم مذکور و کیفیت صدور حکم و اجرای آن پرداخته می شود.

الف) شرایط ماهوی تابعیت: طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی: « زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه عقد ازدواج به زوج تحمیل شود». بنابراین قانونگذار با مطرح کردن این موضوع از بی تابعیتی یا تابعیت مضاعف شدن برای زن جلوگیری می کند.



لذا قانونگذار ۳ مورد را برای جلوگیری از بی‌تابیتی یا تابعیت مضاعف برای زوجه در نظر گرفته است:

۱- در صورتی که قانون مملکت زوج تابعیت شوهر را به زن تحمیل نکند علی‌الاصول زن ایرانی به تابعیت خود باقی خواهد ماند.

۲- اگر مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زن تحمیل شود، زن ایرانی تابع مملکت شوهر خواهد شد (طبق اصل وحدت تابعیت).

۳- هرگاه قانون مملکت شوهر، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت شوهر مختار بگذارد، در این مورد زن ایرانی اگر بخواهد تابعیت مملکت شوهر را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود داشته باشد، باید تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه تقدیم کند تا با تقاضای زن موافقت گردد. ازدواج از جمله احوال شخصیه است که در قلمرو حقوق خصوصی قرار می‌گیرد که روش قانون مدنی ایران بر طبق « وحدت تابعیت خانواده » و « ترجیح تابعیت زوج بر تابعیت زوجه » است. به موجب ماده ۶ قانون مدنی ایران « قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه در خارج باشند معجزی خواهد بود ». ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند جهت ثبت عقد نکاح و طلاق و صدور گواهی ولادت به کنسولگری‌های ایران مراجعه نمایند زیرا ماده ۱۰۰۱ قانون مدنی وظایفی را که به موجب قوانین به عهده دوایر سجل احوال (ثبت احوال) مقرر است، بر عهده مأمورین کنسولی ایران در خارج گذارده است. یعنی ازدواج در خارج از ایران در صورتی سند معتبر معرفی می‌شود که: ازدواج هم از نظر ماهوی و هم شکلی صحیح صورت گرفته باشد. از نظر ماهوی یعنی جنبه قانونی (مدنی) و شرعی رعایت شده باشد (زن مسلمان با مرد مسلمان ازدواج نماید و اجازه دولت ایران و مانند آن) از نظر شکلی، یعنی نحوه تنظیم سند (سند رسمی و...) رعایت گردد. در صورتی که ایرانیان در کشورهایی مقیم باشند که قانون داخلی آن کشورها برای بیگانگان در زمینه مسائل مربوط به احوال شخصیه، قانون دولت متبوع آنها را اعمال نکنند، تنها حق استفاده از آثار آن احکام را در همان کشور خارجی



خواهند داشت و نمی‌توانند از آثار آن احکام در خاک ایران استفاده کنند و در این خصوص باید به محاکم ایران مراجعه و طرح دعوا نمایند. از دیدگاه حقوق داخلی ایران اگر زوجین تبعه ایران باشند و در خارج از کشور ازدواج کنند، مطابق ماده ۶ قانون مدنی روابط ماهوی این نکاح تابع قانون ملی زوجین است. لذا درباره تخلف از شرایط ماهوی ازدواج، اگر تابعیت طرفین در زمان وقوع عقد ازدواج یکسان بوده، قانون کشور مشترک آنها و اگر که تابعیت آنها متفاوت بوده، درباره هر یک از آنها قانون کشور متبوعش صالح برای رسیدگی است.

ب) شرایط شکلی تابعیت: طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: « ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع قانونی ندارد، موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است ». همچنین به موجب ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی: « دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زن تبعه خارجی، موقوف به اجازه مخصوص نماید ». و در ماده ۱۷ قانون ازدواج برای مرد خارجی که بدون اجازه دولت به ازدواج با زن ایرانی مبادرت کند، مجازات حبس تأدیبی از ۱ تا ۳ سال تعیین نموده است. آیین‌نامه اجازه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیرایرانی مدارک ذیل را برای صدور اجازه مخصوص از طرف دولت لازم می‌داند:

- ۱- تقاضای کتبی مرد و زن،
- ۲- گواهی نامه دولت متبوع شوهر مبنی بر به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع شوهر،
- ۳- گواهی تشریف به دین اسلام، در مورد مرد غیرمسلمان،
- ۴- گواهی نامه مجرد یا تأهل مرد،
- ۵- گواهی عدم سوء پیشینه از کشور متبوع شوهر و کشور ایران،
- ۶- اخذ تعهد و تضمین از شوهر، برای وظایفی که شوهر ایرانی در اثر مزاجت دارد، البته در صورت صلاحدید وزارت کشور.



درباره تخلف از شرایط شکلی ازدواج ، قانون صالح برای رسیدگی ، قانون محل وقوع ازدواج است.

### بخش دوم: ازدواج زن تبعه ایرانی با مرد خارجی

طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: « ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که منع قانونی ندارد ، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است ». در صورت ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی ممکن است تابعیت شوهر بر زن تحمیل شود و در نتیجه زن مطابق ماده ۹۸۷ ق.م.تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد. لذا دولت باید از طریق وزارت کشور بر چنین ازدواجی نظارتی داشته باشد اما طبق آئین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی هیئت وزیران ۱۳۴۵ چهار ماده را به تصویب رساندند که طبق ماده ۱: « به وزارت کشور اجازه داده می شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه را با رعایت مقررات این آیین نامه صادر نماید. طبق ماده ۲: « برای صدور این پروانه ، متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند:

- ۱- درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور ،
- ۲- گواهی نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن این ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهی نامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد، وزارت کشور می تواند بدون دریافت این مدرک -در صورت رضایت زن- پروانه زناشویی را صادر نماید ،
- ۳- گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام ، چنانچه مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد. طبق ماده ۳: « وزارت کشور در صورت تقاضای زن ، علاوه بر مدارک مذکور در ماده ۲ ، مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود:



۱- گواهی نامه ای از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر این که وی مجرد است یا متأهل ،

۲- گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع کشور در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد ،

۳- گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر دارا بودن استطاعت و مکنت و همچنین تعهد نامه ثبتي از طرف مرد بیگانه در این خصوص که متعهد شود هزینه و نفقه همسر و فرزندان و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا می کند را در صورت بد رفتاری یا ترک و یا طلاق پرداخت نماید. اما تبصره آن مقرر می دارد که: در مواردی که وزارت کشور مصلحت بداند ، برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات و قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد: از قبیل حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی و ادای واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانت وی و امثال آن و همچنین در مواردی که تفریق پیش آید ، برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران می تواند تضمین متناسبی را از شوهر مطالبه نماید. و طبق ماده ۴: « وزارت کشور می تواند به استناداری ها و فرمانداری های کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارج اختیار دهد که طبق مقررات این آیین نامه پروانه زناشویی را به صورت مستقیم در محل صادر نموده و مراتب را به ثبت احوال اعلام دارند. طبق ماده ۱۰۰۱ قانون مدنی: « مأمورین کنسولی ایران در خارجه نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود و وظائفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دائر سجل احوال مقرر است انجام دهند. » ماده ۳۰ قانون ثبت احوال تصریح کرده است: « وظائف آمار و ثبت احوال را نسبت به اتباع ایران مقیمین خارج مأمور وزارت امور خارجه مطابق آئین نامه مخصوصی که به تصویب هیئت وزیران می رسد انجام خواهند داد. یعنی مأموران کنسولی وزارت امور خارجه مکلف به رعایت قانون ازدواج نیز هستند و چون قانون حمایت خانواده مکمل قانون ازدواج است لذا



مأمورین کنسولی نمی توانند برخلاف صریح قانون حمایت خانواده مبادرت به ثبت ازدواج نمایند اگرچه که به لحاظ خروج از عنوان سردفتری مشمول مجازات مقرر برای سردفتر نمی شود لیکن ناچار به رعایت قوانین مربوط به نظم عمومی می باشند. اما زن های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در زمان ازدواج دارا بوده اند ، ندارند این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی شود. در مورد تابعیت فرزندان متولد از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی می توان گفت که اگر طفل از پدر خارجی و مادر ایرانی در خارج از کشور متولد شود ، خارجی می باشد و اگر پدر خارجی و محل تولد طفل در ایران باشد ، ولی طفل به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد ، تبعه ایران محسوب نمی شود. اما اگر طفل از مادر ایرانی و پدر خارجی و در ایران متولد شود ، ایرانی محسوب می شود.

### بخش سوم: ازدواج مرد ایرانی با زن تبعه کشور خارجی

طبق ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی: « دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد ، موکول به اجازه مخصوص نماید ». لذا ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه باید با اجازه مخصوص از طرف دولت باشد. در مورد ازدواج مرد ایرانی بازن خارجی ، منع قانونی به طور کلی وجود ندارد مگر این که در بعضی مشاغل قانونگذار منع خاصی را پیش بینی کرده باشد. بنابر قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه مصوب دی ماه ۱۳۴۵ ماده واحده آن اعلام می دارد: « از این تاریخ ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه و یا کسانی که پیش از این بر اثر ازدواج به تابعیت ایران درآمده اند، ممنوع است. کارمندان متخلف صلاحیت ادامه خدمت در وزارت امور خارجه را نخواهند داشت ».

تبصره یک: « از تاریخ تصویب این قانون هیچ فردی که همسرش تبعه بیگانه باشد و یا پیش از این تابعیت بیگانه داشته است، به خدمت وزارت امور خارجه پذیرفته نخواهد شد »





تبصره دو: اعزام کارمندان فعلی وزارت امور خارجه که دارای همسرانی هستند که پیش از این تابعیت غیرایرانی داشته اند ، از هر طبقه و مقامی به مأموریت ثابت در کشورهایی که همسران آنها قبلاً تابعیت آن کشور را داشته اند ، ممنوع می باشد . بنابراین هنگامی که زوجه تبعه کشور دیگری باشد ، مقررات مخصوص بر روابط زوجین حاکم است. تشریفات مربوط به ثبت ازدواج زنان خارجی با ایرانیان نیز طبق بند ۱۸۲ مجموعه بخشنامه های ثبتی: « پس از ثبت ازدواج زنان تبعه خارجی با اتباع ایرانی ، گذرنامه خارجی و مجوز اقامت را از زنان خارجی که به عقد ازدواج اتباع ایران درآمده اند ، اخذ و به ضمیمه اعلامیه حاکی از مراتب ذیل می باشد:

۱- تاریخ وقوع ازدواج با قید شماره و تاریخ و محل صدور عقدنامه

۲- نام و نام خانوادگی قبل از ازدواج با اسم پدر و شماره و تاریخ و محل صدور گذرنامه و جواز اقامت ، ۳- تابعیت زوجه پیش از ازدواج ، ۴- نام و نام خانوادگی و اسم پدر زوج و تاریخ و شماره و محل صدور شناسنامه و ۵- محل سکونت زوجین.

اما طبق ماده ۹۷۶ هر زن تبعه کشور خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند ، تبعه ایران محسوب می شود. که مطابق ماده ۹۸۶ این زنان بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی تحت شرایطی می توانند به تابعیت اول خود رجوع کنند. در قوانین و مقررات ایران در روابط زوجین طبق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ریاست خانواده ، از خصایص شوهر است. بنابراین قانونگذار طبق اصل وحدت خانواده ، ریاست شوهر را در خانواده می پذیرد و بر اساس بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، زن خارجی به محض وقوع عقد ازدواج با مرد ایرانی ، به تابعیت ایران در خواهد آمد.

### بخش چهارم: تغییر تابعیت زوجین

تابعیت اصلی از زمان تولد به شخص تحمیل می شود ولی تابعیت اکتسابی از طریق پذیرش تابعیت کشور دیگر یا از طریق ازدواج به دست می آید. لذا نظریه های متفاوتی در سیستم حقوقی کشورها در رابطه با تابعیت زن پس از نکاح موجود می باشد. از آن جمله:



۱- اصل وحدت تابعیت که چون خانواده یک رکن واحد است و برای تأمین وحدت ، باید تابعیت واحد باشد تابعیت یکی از زوجین به همسر دیگر تحمیل می شود و چون در ایران و بسیاری از کشورها ریاست خانواده به عهده شوهر است ، لذا تابعیت شوهر برای تابعیت زن مرجح است.

۲- استقلال تام تابعیت که زنان می توانند بدون نگرانی از تحمیل تابعیت شوهر با مردان خارجی ازدواج کنند.

۳- استقلال نسبی تابعیت که در این مورد تابعیت به اراده هر کدام واگذار می گردد. طبق این نظریه بی تابعیت شدن زن یا تابعیت مضاعف برای او کاهش پیدا می کند.

### بخش پنجم: صلاحیت قانون ملی شخص

در مورد صلاحیت محاکم و نحوه رسیدگی به دعاوی خانوادگی ماده ۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ : « هرگاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی را علیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست به آن داده شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود ». اما در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد ، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. و طبق تبصره آن: « اگر طرفین اختلاف ، مقیم خارج از کشور باشند می توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه کنند ». از نظر قانون حاکم بر دعاوی خانوادگی ، طبق ماده ۶ قانون مدنی: « قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل: نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم خارج باشند مجری خواهد بود ». در مورد صلاحیت قانون ملی شخص هرگاه به دلیل دخالت نظم عمومی یا احاله یا هر دلیل دیگری ، امکان اجرای قانون خارجی که طبق قاعده حل تعارض ایران صالح تشخیص داده شده نباشد . طبق ماده ۵ قانون مدنی : « کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی مطیع قوانین ایران



خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». قانون مدنی ایران جایگزین قانون خارجی شده و به جای آن اجرا می‌شود.

## بخش ششم: استثنائات اعمال قانون کشور متبوع شخص

### بند اول: ازدواج ایرانیان غیر شیعه با اتباع بیگانه

در این مورد قانونگذار ایرانی جهت رعایت حال ایرانیانی که مسلمان شیعه نیستند ولی مذهب یا دین آنان در ایران به رسمیت شناخته شده است استثنائی را نسبت به اجرای قانون ملی در مورد احوال شخصیه قایل شده است که مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه است. ایرانیان غیر شیعه یعنی اهل تسنن و سایر ادیان اهل کتاب مثل یهودی، مسیحی، زرتشتی، از حیث ازدواج و سایر احوال شخصیه تابع قواعد و عادات مذهب خود می‌باشند و آنها تابع مقررات مذهب خودشان هستند. بنابراین هر چند اقلیتهای دینی از حیث ازدواج تابع مقررات دینی خود هستند با این وجود یک زن ایرانی (غیرمسلمان) چه در داخل کشور ایران اقدام به ازدواج کند، چه بخواهد در خارج با یک مرد خارجی هر چند مسلمان هم باشد، ازدواج کند، باید اجازه مخصوص از دولت جمهوری اسلامی ایران کسب نماید. این، یک حکم قانونی است. و اینکه مرد غیر مسلمان ایرانی اگر چه برابر قانون مجاز است طبق آیین مذهبی خود ازدواج کند و محدودیتی ندارد، ولی اگر او از مستخدمین یا مامورین رسمی یا محصلین دولتی باشد. مثلاً کارمند وزارت امور خارجه باشد برای ازدواج خود با یک زن غیر ایرانی باید اجازه مخصوص از دولت کسب نماید. در قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب ۱۳۱۲ تصریح شده است: «نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند». یعنی طبق قانون حاکم بر نظم عمومی باید حکم صادر شود. یعنی در مورد احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه قوانین مربوط به نظم عمومی باید اجرا شود همینطور که در حدود مواد قانون مدنی و در مورد اجمال و سکوت قانون مدنی در حدود قوانین شرعی تا



حدی باید قوانین مربوط به نظم عمومی را رعایت کنیم چراکه طبق ماده ۹۷ قانون مدنی: «اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد ولی وقتی مخالف نظم عمومی شناخته شود دیگر قابل اجراء نخواهد بود». لذا طبق اصل شخصی بودن قوانین، ساکنین یک دولت را، که دارای مذاهب مختلف هستند، به جوامع خاص خود تقسیم می‌نماید. این جوامع در امور عبادی و دینی و نیز در احوال شخصیه تابع قواعد مذهبی خود هستند نه تابع قواعد سرزمینی. اما در امور مربوط به نظم عمومی و امنیت جامعه (مثل مقررات جزایی) تابع قواعد مربوط به سرزمین خود هستند. بنابراین در مورد احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی، در خارج از ایران که هرگاه در خارج از ایران دارای یکی از مذاهب پذیرفته شده در ایران است در صورتی که کشور مزبور، اجرای قانون متبوع را در خصوص احوال شخصیه پذیرفته باشد، به جای قانون مدنی ایران باید مقررات مذهبی وی به مورد اجرا گذارده شود.

### بند دوم: اهلیت

طبق ماده ۹۶۲ قانون مدنی: «تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود لذا اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد. حکم اخیر مربوط به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج ایران می باشد شامل نخواهد بود». بنابراین علت قراردادن این استثناء (تشخیص اهلیت)، جلوگیری از اعمال حيله و تقلب احتمالی است چراکه ممکن است شخص خارجی با علم به این که طبق قانون متبوع خود دارای اهلیت لازم برای انجام معامله نیست قراردادی با شخصی ایرانی منعقد نماید و سپس برای فرار از انجام تعهد به عدم اهلیت خود استناد نماید و در این ماده فقط مربوط به بعضی معاملات انجام شده در ایران مد نظر است و معاملات اموال غیر منقول واقع در خارج از



ایران و مسایل خانوادگی از شمول این استثناء خارج و مشمول حکم مندرج در صدر ماده خواهند بود.

### بخش هفتم: بررسی احکام خارجی در محاکم ایران

اجرای یک حکم خارجی در صورتی میسر است که قبلاً عمل شناسایی انجام گرفته و یا بدون درخواست شناسایی، ابتدا اجرای آن حکم خواسته شده باشد. اما بعضی از احکام صادر شده از محاکم خارجی صرفاً اعلامی است و جنبه اجرایی در پی ندارد مثل اعلام صحت نکاح واقع شده در خارج که متضمن عملیات اجرایی نیست و با شناسایی و تأیید آن در محاکم داخلی، آن حکم رسمیت داشته و می‌توان از آثار آن در داخل کشور استفاده کرد. بنابراین در صورت مراجعه ایرانیان به محاکم خارجی، رعایت مقررات ایران نسبت به آنان در خصوص مسائل مربوط به احوال شخصیه ضروری است. اما عدم قابلیت استناد به احکام خارجی در ایران در زمینه مسائل مربوط به احوال شخصیه - در فرضی که قانون ایران رعایت نگردیده - تنها در حالی است که حکم قضیه مطابق قانون ایران صادر نشده باشد و یا در صورت عدم رعایت مقررات ایران، نتیجه حاصل از حکم خارجی منطبق با نتیجه حاصل از طرح آن دعوا در محاکم ایرانی نباشد. لذا رعایت مقررات ایران نسبت به احوال شخصیه ایرانیان مقیم خارج از کشور صرفاً ناظر به قواعد حل تعارض و مقررات ماهوی ایران است نه مقررات مربوط به شیوه دادرسی در محاکم. چنانچه طبق ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران، دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، تابع قانون محلی خواهند بود که در آنجا اقامه می‌شوند.

### نتیجه گیری

با توجه به اینکه ازدواج از جمله احوال شخصیه است و همینطور احوال شخصیه از مباحث مهم حقوق بین الملل خصوصی است لذا راجع به ازدواج ایرانیان در خارج باید گفت با توجه به شرایط شکلی ازدواج، قانون حاکم، قانون کشور محل وقوع عقد است و با توجه به شرایط ماهوی ازدواج، قانون حاکم، قانون کشور متبوع شخص است. و چون قواعد حل تعارض

مربوط به احوال شخصیه امری است لذا قاضی باید حتی در صورت عدم استناد طرفین به قانون حاکم و یا درخواست عدم اجرای آن ، قواعد راجع به حل تعارض را اعمال نماید. طبق ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی ازدواج مأمورین کنسولی با زن تبعه خارجی را موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت می داند و همینطور بنابر ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی در صورتی که منع قانونی وجود نداشته باشد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. بنابراین چون قانون حمایت خانواده یک قانون ماهوی است و قانونی است که شرایط ماهوی ازدواج و طلاق و رجوع را معین کرده است و در بسیاری از موارد با قانون مدنی تعارض دارد و چون وارد بر قانون مدنی است پس ناگزیر به رعایت آن می باشیم. لذا قانون حاکم بر ازدواج ایرانیان در خارج از لحاظ شرایط ماهوی ، اگر تابعیت طرفین در زمان وقوع عقد ازدواج یکسان بوده ، قانون کشور مشترک آنها و اگر که تابعیت آنها متفاوت بوده ، درباره هر یک از آنها قانون کشور متبوعش صالح برای رسیدگی است و از لحاظ شرایط شکلی ، قانون صالح برای رسیدگی ، قانون محل وقوع ازدواج خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## منابع و مأخذ

الف) کتب

۱- دکتر سلجوقی ، محمود ، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی ، انتشارات میزان ، چاپ ششم ، ۱۳۸۶.

۲- دکتر متولی ، سید محمد ، احوال شخصیه بیگانگان در ایران ، انتشارات ساز و کار ، چاپ اول ، ۱۳۷۸.

ب) مجلات

۱- زینب رنجبر ، ازدواج و طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور ، روزنامه ایران ، پنجشنبه ۱۳۸۵/۲/۷ ، شماره ۳۴۵۴.

۲- دکتر شمس الدین عالمی ، آیا ازدواج و طلاق و رجوع ایرانیان مقیم خارج بدون اجازه دادگاه قابل ثبت است؟ .

۳- دکتر مریم افشاری ، جزوه حقوق بین الملل خصوصی (قسمت دوم).

۴- مجید یوسفی ، نحوه طرح دعاوی خانوادگی ایرانیان مقیم خارج از کشور.

۵- نجاد علی الماسی ، تعارض چند قانون ملی در مورد ازدواج و طلاق ، فصلنامه مفید ، شماره ۶۲.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی